

نبوغ؟!

۱- امروز، یعنی هفت ماه پس از جنایت ۱۱ سپتامبر (۲۰ شهریور ۸۰)، کمتر کسی تردید دارد که این فاجعه، صرف نظر از اینکه توسط چه گروهی طراحی و اجرا گردید، زمینه بسیار مساعدی را برای یکه تازی جنگ طلبان آمریکایی و اسرائیلی در سطح جهان و منطقه خاور میانه فراهم کرده است. شاید به دلیل پیامدهای این جنایت است که بعضی صاحب نظران، مسؤول خط دهمی و انجام موفق آن را سرویس های اطلاعاتی اسرائیل و آمریکا می خوانند.

۲- در ایران نیز بعضی افراد و جریانات روی خوشی به این ادعا و تحلیل نشان می دهند و به همین دلیل معمولاً اخبار یا تحلیل هایی را که بیانگر نقش میلیتاریست های آمریکا و اسرائیل در وقوع این جنایت است، در صفحه اول روزنامه های خود و با تیتراهای درشت پوشش می دهند. اما نکته بسیار جالب توجه آن است که همین افراد در پاسخ به تهدیدات بوش و اتهام «محور اهریمنی» او، دولترین آمریکا و اسرائیل را به کاربرد سلاح های شیمیایی و میکروبی در شهرهای آمریکا و اسرائیل و کشتن مقامات آن دو کشور در سراسر جهان، در صورت حمله نظامی آمریکا به ایران تهدید می کنند!

۳- همین روزنامه ها خاتمی را سرزنش می کنند که چرا طرح «گفت و گوی تمدن ها» را به سازمان ملل پیشنهاد و از «تنش زدایی» دفاع کرد و با این اقدامات موجب شد جنگ طلبان آمریکایی چنان جسارتی پیدا کنند که جمهوری اسلامی ایران را «محور شرارت» بخوانند. به همین دلیل امروز نیز رئیس جمهوری ایران نباید از طرح های مشابه که منظور «ائتلاف برای صلح» است، سخن بگوید چون احتمالاً تجری بیشتر آنان را به دنبال خواهد داشت و رئیس جمهوری آمریکا گستاخانه تر از پیش با دولت و ملت ایران مواجه خواهد شد!

۴- این عده همواره از پاسخ دادن به این سؤال طفره رفته اند که اگر جنایت ۱۱ سپتامبر به نفع مقاصد سلطه جویانه خشونت طلبان آمریکایی و اسرائیلی بوده، به گونه ای که موجب ایجاد شبهه ای قوی مبنی بر دست داشتن بخش هایی از نهادهای حکومتی آمریکا و اسرائیل در وقوع آن شده است، تهدید به انجام عملیاتی که حتی در صورت قدرت بر انجام ارتکاب آنها، نتیجه ای جز میلیتاریزه کردن بیشتر جهان و تقویت تئوری جنگ تمدن ها نخواهد داشت و به بسیج افکار عمومی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران خواهد انجامید، به چه منظور صورت می پذیرد؟

۵- اخیراً درباره جنایات رژیم متجاوز اسرائیل همین عده تحلیل هایی ارائه کرده اند که نتیجه ای جز توجیه رفتار و حشیانه اشغالگران اسرائیلی ندارد. به این عبارات توجه فرمایید:

«همانگونه که به وضوح دیده می شود، یاسر عرفات، رئیس تشکیلات خودگردان، دقیقاً مانند گذشته، در اردوگاه آمریکا و اسرائیل قرار دارد و همراه با دشمنان تابلودار اسلام و مردم مسلمان و مظلوم فلسطین، خواستار مقابله با انتفاضه و سرکوب جهاد اسلامی، حماس، حزب الله، الاقصی و سایر گروه هایی است که این روزها عرصه را بر صهیونیست ها و حامیان بین المللی و منطقه ای آنها تنگ کرده اند... حمایت بی قید و شرط یاسر عرفات از پیشنهاد بوش برای سرکوب انتفاضه و اعلام آمادگی وی برای همکاری با آمریکا و اسرائیل در سایر مواردی که جورج بوش طی سخنان اخیر خود به عنوان شرایط توقف جنایات صهیونیست ها مطرح کرده است، کمترین تردیدی باقی نمی گذارد که مخالفت های اخیر اسرائیل با یاسر عرفات و حتی حمله به برخی از مراکز تشکیلات حکومت خودگردان، فقط یک بازی سیاسی و توطئه شیطانی بوده است که به منظور تطهیر سوابق سازشکارانه عرفات و آماده کردن افکار عمومی مسلمانان فلسطین برای پذیرش رهبری او صورت گرفته و می گیرد... بسیاری از سران و مقامات بلند پایه کشورهای عربی... با بزرگ نمایی سؤال برانگیزی از یاسر عرفات به عنوان رهبر فلسطین یاد می [کنند] از سوی دیگر، اتحادیه اروپا طی بیانیه ای اعلام کرده که کشورهای عضو این اتحادیه، فقط عرفات را رهبر فلسطین می دانند... این بازی چند جانبه و نمایش مسخره... در حالی [است] که یاسر عرفات نه فقط کمترین نقشی در خروش یکپارچه مردم مسلمان فلسطین علیه رژیم اشغالگر قدس نداشته و ندارد... بلکه از مدت ها قبل و آشکارا... بر سرکوب انتفاضه تأکید کرده بود.

... آیا ساده لوح ترین افراد می توانند باور کنند که اسرائیل، آمریکا، اتحادیه اروپا و متأسفانه - برخی از سران کشورهای عربی از بزرگ نمایی یاسر عرفات و معرفی او به عنوان رهبر فلسطین مقصود دیگری دارند؟!... یاسر عرفات، تنها با ایستادگی و تن دادن به شهادت می تواند اثبات کند که هیاهو و جنجال این روزها ترفند و حيله نیست...

البته عرفات با اعلام پذیرش بی قید و شرط اظهارات بوش، نشان داد که همچنان در بستر خیانت به اسلام و فلسطین گام برمی دارد.» (یادداشت روز، کیهان ۸۱/۷/۱۷)

۶. منظور نویسنده محترم کاملاً روشن بیان شده است. «عرفات دقیقاً مانند گذشته در اردوگاه آمریکا و اسرائیل قرار دارد و خواستار مقابله با انتفاضه و سرکوب جهاد اسلامی، حماس، حزب الله، الاقصی و سایر گروه ها است» و «مخالفت های اخیر اسرائیل با یاسر عرفات و حتی حمله به برخی از مراکز تشکیلات حکومت خودگردان، فقط یک بازی سیاسی و توطئه شیطانی است.» و «این بازی چند جانبه و نمایش مسخره» [جنایات رژیم صهیونیستی و مقاومت قهرمانانه مردم فلسطین] مسلمان فلسطین علیه رژیم اشغالگر قدس نداشته و ندارد» و «ساده لوح ترین افراد» نیز نمی توانند باور کنند که اسرائیل، آمریکا، اتحادیه اروپا و - متأسفانه - برخی از سران کشورهای عربی از بزرگ نمایی یاسر عرفات و معرفی او به عنوان رهبر فلسطین مقصود دیگری دارند». آیا بهتر از این می توان سوء استفاده شارون و سایر جنگ طلبان صهیونیست را از فضای ایجاد شده پس از جنایت ۱۱ سپتامبر توجیه کرد؟ آیا واقعاً آنچه در سرزمین های اشغالی می گذرد، «بازی چند جانبه»، «نمایش مسخره» و «توطئه های شیطانی» صرفاً به منظور «تطهیر یاسر عرفات» است؟

۷. نویسنده محترم تنها به یک شرط حاضر به پس گرفتن این تحلیل مشعشع است که «یاسر عرفات، تنها با ایستادگی و تن دادن به شهادت می تواند اثبات کند که هیاهو و جنجال این روزها [جنایاتی که روزانه در فلسطین رخ می دهد] ترفند و حيله نیست.» به عبارت دیگر اگر یاسر عرفات «شهید» نشود، معلوم می شود که «ترفند و حيله ای درباره هیاهو و جنجال این روزها» در کار بوده است. البته نویسنده خود آب پاکی را بر دست همه، می ریزد و بلافاصله اضافه می کند که «البته عرفات با اعلام پذیرش بی قید و شرط اظهارات بوش، نشان داد که همچنان در بستر خیانت به اسلام و فلسطین گام برمی دارد.» بنابراین حتی شهادت عرفات نیز دیگر نمی تواند از خیانت او به اسلام و فلسطین چیزی کم کند؟!

۸. نویسنده محترم در قسمت بعدی مقاله می افزاید: «امروزه، لابد پس از نمایش مسخره اخیر [نابودی کامل اسرائیل و کشتن صهیونیست های جنایتکار ساکن فلسطین اشغالی] «کمترین» مجازاتی است که ملت های مسلمان برای «انتقام» از آمریکا و اسرائیل در پی آند.» برای پرهیز از تطویل کلام، پیشنهاد های اخیر مقام رهبری را به خوانندگان محترم یادآوری می کند که «بازگشت به مرزهای قبل از ۱۹۶۷، بازگشت آوارگان فلسطینی و برگزاری همه پرسی از مردم فلسطین اعم از مسلمان، مسیحی، یهودی» را خواست جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند. این سه نکته را با «کمترین مجازات» پیشنهادی نویسنده محترم مقایسه کنید تا معلوم شود ذوب در ولایت فقیه یعنی چه؟

۹. اوج نبوغ نویسنده محترم در قسمت پایانی سرمقاله خود را نشان می دهد.

نبوغ؟!

بقیه از صفحه ۲

آنجا که اعلام می کند: «به زودی آمریکا و اسرائیل شاهد ضربات سخت و شکننده ای خواهند بود که مسلمانان شهادت طلب در تمامی نقاط دنیا به منافع آمریکا و صهیونیست های ساکن سایر مناطق جهان وارد خواهند کرد. شواهد و قرائن موجود به وضوح از این آمادگی خبر می دهند. آیا این گناه بزرگی نیست که همه روزه تعدادی از مسلمانان مظلوم فلسطین شهید شوند و در همان حال صهیونیست های ساکن سایر نقاط جهان در آرامش و امنیت باشند. به یقین که هیچ یک از حامیان رژیم اشغالگر قدس در هیچ نقطه دنیا امنیت نخواهند داشت.» (کیهان، ۱۷/۱/۸۱)

در این زمینه نیز راه حل های مقام رهبری را درباره وظایف مسلمانان جهان، اعم از دولت ها و ملت ها، در حمایت از قیام مردم فلسطین یادآوری می کنیم تا میزان تفاوت آنها با این پیشنهادها معلوم شود. جالب آنکه این سرمقاله یک روز پس از خطبه های نماز جمعه رهبری انتشار یافته است!

۱۰. ظاهر آن نویسنده محترم و بسیار پیچیده و نکته سنج توجه ندارد که در صورت تحقق

مطالب وی:

اولاً، زمینه و بهانه بسیار مناسبی در اختیار میلیتاریست های آمریکایی و اسرائیلی قرار خواهد گرفت که حملات و تجاوزات خود را علیه مردم مظلوم فلسطین تشدید کنند.

ثانیاً، جهان اسلام مسترادف «تروریسم» خوانده می شود، موضوعی که پس از ۱۱ سپتامبر، صهیونیست ها تلاش فراوانی در القای آن داشته اند.

ثالثاً، بسیج افکار عمومی جهانیان به نفع مردم فلسطین به عنوان یک مسأله نه صرفاً اسلامی، بلکه «انسانی» به نفع جنگ طلبان آمریکایی و اسرائیلی مخدوش می شود.

رابعاً، مسؤولیت چنین اقدامات احتمالی دامنگیر جمهوری اسلامی ایران نیز می شود که مدیر مسؤول روزنامه ای منتسب به حکومت اعلام می کند به زودی چنین اتفاقاتی رخ خواهد داد. آیا وی متوجه نیست که اگر این روزها اقدامی خشونت بار در هر نقطه از جهان رخ دهد،

تکذیب انتساب آنها به ایران اسلامی، با چنین سرمقاله هایی، دشوار خواهد بود و جمهوری اسلامی را در موضع انفعال و تدافعی قرار خواهد داد؟ اگر این پیشنهادات موجب بهانه جویی جنگ طلبان شود، چه کسی پاسخگو است. و آیا اینگونه سخن گفتن جنگ طلبانه نیست؟ و آیا با سیاست های نظام سازگار است؟

۱۱- اگر کل وقایع اخیر، «نمایش مسخره ای» است که ساده لوح ترین افراد نیز آن را تشخیص

می دهند، ورود به این نمایش چه توجیهی دارد؟ آیا ملت ایران، طبق استدلال نویسنده محترم، باید تاوان «بازسازی یک چهره سوخته» (عنوان سرمقاله مذکور) را بپردازد؟ به عبارت دیگر آیا «تحریک» میلیتاریست های آمریکا و اسرائیل که مشتاقانه در آرزوی کسب بهانه برای توجیه «جنگ تمدن ها» هستند، به همان اندازه «مرعوب و تسلیم شدن» در برابر آنان، فاجعه آفرین نیست؟

۱۲- اگر حق با نویسندگان روزنامه مذکور باشد که «ایالات متحده آمریکا قطعاً و در همین افق نزدیک فرو خواهد ریخت و در مجموع به چند کشور مستقل و پراکنده تغییر ماهیت خواهد داد و بند ناف اسرائیل نیز قطع خواهد شد «و» فروپاشی ایالات متحده آمریکا هرگز با انفجار و ترور و پائین آمدن آسمان خراش هایش صورت نخواهد پذیرفت. فروپاشی آمریکا، دقیقاً همچون فروپاشی شوروی، از درون خواهد بود.

بدون شلیک حتی یک فشنگ «و» اکنون نسیم فروپاشی آمریکا به نهایی ترین مرحله تکامل خود رسیده است.» (کیهان، ۱۷/۱/۸۱)

و حضرات حقیقتاً به این مطالب باور دارند، ارائه پیشنهاداتی مانند کشتن حامیان اسرائیل در سراسر جهان چه وجهی دارد؟

۱۳- جای تأسف است در زمانی که «عرفات» اعلام می کند الگوی وی نه «عثمان» است که در خانه بنشیند تا کشته شود بلکه «حسین بن علی» است که تا آخرین قطره خون (و امروز تا

آخرین گلوله) نبرد می کند تا شهید شود، آیا چنین تحلیل هایی، آب به آسیاب خشونت طلبان آمریکایی و اسرائیلی ریختن نیست؟ امیدواریم صدا و سیما براساس چنین تحلیلی نباشد که برخی از مهمترین فرازهای سخنان عرفات را پوشش مناسب نداده است. آیا عرفات از بن لادن خطرناک تر است که نباید صدا و سیما مصاحبه او را با شبکه الجزیره پخش کند؟!

۱۴- جای خوشوقتی است که نه در داخل کشور و نه در سطح بین المللی، کسی چنین مطالبی را جدی نمی گیرد، اما امیدواریم انتشار تحلیل هایی ناشی از آن نباشد که عده ای در ایران برای «بازسازی چهره های سوخته»، در این توهم به سر می برند که با هماهنگی بیگانگان، «نمایش مسخره ای» را به صحنه بیاورند که در پشت آن «توطئه ای شیطانی» نهفته باشد؟ چون ساده لوح ترین افراد نیز با این ترفندها آشنا هستند؟!

۱۵- ممکن است خوانندگان محترم بپرسند که اگر کسی این مطالب را جدی نمی گیرد، چرا روزنامه بنیان به آن پرداخته است. قصد ما آن است که تفکری را که مبنای ارائه چنین تحلیل هایی است، نقد کنیم تا معلوم شود هم در تبیین شرایط و هم در ارائه راهکارها چه تفاوت عظیمی بین اصلاح طلبان و منتقدان آنان وجود دارد و آقایان با چه مبانی و تحلیل هایی قصد اداره کشور را داشته اند.